

زندگی به سبک اوتاکوها!

در باره دیدن انیمه و خواندن مانگا، محصول های فرهنگی ژاپن که در سال های اخیر با استقبال بسیاری از مردم دنیا مواجه و بیشتر از سر گرمی یک سبک زندگی شده است

الیه توانا | روزنامه نگار

پرونده

بهشان می گویند «اوتاکو»؛ یعنی کسی که به دیدن انیمه (پویانمایی ژاپنی) و خواندن مانگا (داستان مصور ژاپنی) علاقه دارد اما این تعریف دقیقی نیست. اوتاکو بودن بیشتر از سر گرمی، یک سبک زندگی است. «فوتبالیست ها»، «باز تان می آید؟ چطور هر هفته پای تلویزیون میخکوب می شدیم و با چه شور و هیجانی، سعی می کردیم حرکات غیر ممکن سوباسا ورفقار در کل کوچیک تقلید کنیم؟ همه چیز فوتبالیست ها، از چشم های درشت شان تا مهارت های فوتبالی شان، اغراق شده بود اما ما باور می کردیم. آن وقت ها کسی نمی دانست «فوتبالیست ها، انیمه است و اسم «اوتاکو، هم به گوش مان نخورد بود. کم کم صنعت انیمه قدرت بیشتری گرفت. عنصر اصلی اغراق بصری و محتوایی حفظ و دایره نفوذ و تنوع ژانرها به مرور با برنامه گسترده تر شد. طرفدار انش در سرتاسر دنیا یک گروه اسم پیدا کردند ولی تنها وجه اشتراک شان دوست داشتن انیمه نبود. یاد گرفتن زبان ژاپنی، جست وجو برای پیدا کردن دستور پخت غذاهایی که در انیمه ها نمایش داده می شود، خریدن وسایل جانبی مثل پوستر، اکشن فیگور هاو اکسسوری، بعضی مشخصه هایی است که اوتاکوهارا از غیر اوتاکو ها متمایز می کند. اوتاکوها حتی رویاها و فانتزی های مشترکی هم دارند مثل سفر به ژاپن، ملاقات با مانگا کاها (نویسنده های مانگا) و بازدید از مکان هایی که الهام بخش انیمه ها بوده اند. آن های که موفق به تحقق رویاهای شان می شوند، به تور بست های اوتاکوپی، معروف اند و تعدادشان آن قدر زیاد است که در سال های اخیر سهم بزرگی در رونق صنعت گردشگری ژاپن ایفا کرده اند. در ادامه از خلال گفت و گویا اوتاکو، با این سبک زندگی نوظهور بیشتر آشنا می شویم و یک کارشناس ارتباطات درباره سواد رسانه ای در مواجهه با انیمه اطلاعات مفیدی در اختیار مان می گذارد.

از عشق های خیالی تا مدیریت استرس در مدرسه!

۲ اوتاکو از علاقه شان به انیمه و تأثیر این علاقه بر زندگی شان می گویند

انیمه در دنیا از هر قشر و سنی طرفداران زیادی دارد ولی هنوز در گفتمان رسمی فرهنگ کشور ما جایی پیدا نکرده است. کارشناسان رسانه، به بحث درباره این محصول فرهنگی اقبالی نشان نمی دهند. متولیان فرهنگ مثل همیشه روش بی حسمت و البته بی فایده فیلتر کردن را انتخاب و خانواده ها یا فرزندان شان را در دنیای بسیار گسترده انیمه تنها رها کرده اند یا به تاسی از مسئولان فرهنگی، راهکار حذف و ممنوعیت را ترجیح می دهند. گفت و گوهایی که در ادامه می خوانید، کمک می کنند زیرویم سبک زندگی طرفداران انیمه و روش های در ست مواجهه با آن ها را بهتر بشناسیم.

شخصیت های انیمه ای از آدم های واقعی جذاب ترند

رویا ۱۵ ساله | دانش آموز | اهل تهران

بارویا که اسم واقعی اش را نمی گوید، از طریق پیچ هواداری اش در اینستا گرام آشنا می شوم. از شکل و شمایل پست ها و تعداد زیاد کامنت ها این طور بر می آید که برای صفحه اش حسابی وقت می گذارد. دو سال است که اوتاکو شده و از آن جایی که به درستی حسی من زدن کم غیر اوتاکوپی هستم، در برابر بعضی سوال ها گارد می گیرد.

چرا خودت را اوتاکو معرفی می کنی؟

یکی فیلم با است، یکی سریال بین. اوتاکو هم کسی است که انیمه و مانگا دوست دارد. با بقیه تفاوت خاصی ندارد و نباید اوتاکوهارا از جامعه جدا ببینیم.

علاقه به انیمه و هواداری از آن، چقدر زمانت را می گیرد؟

برای پیچ هواداری گاهی یک ساعت در روز وقت می گذارم و بعضی وقت ها بیشتر. انیمه هم روزی حداقل یک قسمت (۲۰ دقیقه) می بینم و روزی حداکثر ۹،۸ ساعت. وقتی پای انیمه می نشینی، بلند شدن خیلی آسان نیست. حتی شده در یک روز، ۲۶ قسمت پشت سر هم ببینم ولی اصلا تأثیر منفی روی نمره ها و کار های روزم نماندشته است.

این همه زمان گذاشتن برای انیمه، نتیجه ای غیر از سرگرم شدن هم برایت داشته است؟

در مدرسه خیلی به من کمک کرد. در این حد که اگر با انیمه آشنا نمی شدم، افتضاح بهار می آمد! وقتی شروع به انیمه دیدن کردم، ۱۳ ساله بودم. مدرسه ام اعوض کرده بودم، هیچ دوستی نداشتم و درس خواندن برایم سخت شده بود. با دیدن انیمه های ژانر مدرسه ای، روابط اجتماعی ام بهتر شد چون فهمیدم تنها کسی نیستم که در مدرسه استرس دارد. خیلی ها این طوری اندو تا حرف زنم، چیزی تغییر نمی کند.

تأثیر منفی چطور؟

راستش بعد از اوتاکو شدنم، دیگر جذب آدم ها نشدم. شخصیت های انیمه ای برایم جذاب ترند. دیگر این که من با خشن ترین انیمه ها اوتاکوشدم. در ۱۳ سالگی، انیمه هایی را می دیدم که در ده بندی سنی شان نوشته بود مناسب ۱۷ ساله هاست. بعضی انیمه ها ممکن است برای بچه های کوچک آسیب زا باشد. درست است که همه شان رده بندی سنی دارند ولی به خود شخص بستگی دارد که انیمه های مناسب سنش را ببیند یا نه. خب فیلم سینمایی هم همین طور است.

از رویاهایت برایم بگو.

دوست دارم بروم ژاپن، مانگا کاهای مورد علاقه ام را ببینم، به استودیوهای انیمه ای سر بزنم، غذای ژاپنی درست کنم و مانگا بنویسم. یاد گرفتن زبان ژاپنی هم که رویای هر اوتاکوپی است. آرزوی دست نیافتنی من و خیلی از اوتاکوهارا فتن به دنیای انیمه هاست.



دنیای انیمه آزاد و نامحدود است

حمید ۲۰ ساله | بارستا | اهل مشهد

حمید تا دیللم درس خوانده و در کافی شاپ مشغول کار است. سه سال پیش با دیدن (attackontitan) به انیمه علاقه مند می شود و از آن وقت تا حالا روزی دو ساعت وقت صرف انیمه دیدن و مانگا خواندن می کند. حمید می گوید اوتاکوهایی را می شناسد که روزانه تا ۱۰ ساعت هم برای فعالیت های انیمه ای وقت می گذارند.

چرا انیمه برایت جذاب است؟

در انیمه از کلیشه های روزمره خبری نیست و داستان های خیلی جذاب و دنیای آزادی دارد. مثلا برای فیلم های سینمایی، بودجه مشخصی تعیین و باتوانایی های بازیگر ها و جلوه های ویژه محدود می شود اما در انیمه با نقاشی متحرک سرو کار داریم، بنابراین هیچ چیز نمی تواند محدودش کند. فرهنگ ژاپنی هم که در انیمه ها نشان داده می شود، برایم جالب است.

چقدر در فرهنگ ژاپنی را می شناسی و چرا دوستش داری؟

اصولا اوتاکوها به همه چیز فرهنگ ژاپنی از لباس گرفته تا غذا علاقه مند هستند. من به خاطر انیمه، شروع کرده ام به یاد گرفتن زبان ژاپنی. چون آشنیزی را دوست دارم، بعضی وقت ها هم دستور غذاهای انیمه ها را پیدامی کنم و برای خودم می پزم. البته می دانم به آن خوشمزگی نمی شود چون بعضی از مواد اولیه غذاهای ژاپنی در ایران گیر نمی آید. در اتاقم هم یک سری اکسسوری انیمه ای دارم ولی چیزهایی مثل اکشن فیگور ها را به دلیل قیمت بالای چندمیلیونی شان نمی توانم تهیه کنم. البته این را هم بگویم که یکی از دوستانم که در ژاپن زندگی می کند، معتقد است آن چه در انیمه نشان داده می شود، با واقعیت های این کشور خیلی فرق دارد. مثلا در انیمه، ژاپنی ها معمولا افراد جسوری نمایش داده می شوند ولی در واقعیت غالبا خجالتی و کم حرف اند.

دیدن انیمه تأثیری هم در زندگی ات داشته است؟

بله، مدتی است که ورزش را شروع کرده ام. بیشتر به خودم اهمیت می دهم و کارهایی را انجام می دهم که از نظر خودم درست است. البته تأثیر منفی هم داشته است. دلم می خواهد مثل کاراکتر های انیمه ای، شخصیت کامل و بی نقصی داشته باشم. راستش با خانواده هم چندیاری دعوایم شده. آن ها معتقدند انیمه چرت و پرت است و به دردم نمی خورد. سر همین موضوع مدتی از اجتماع دور شدم. از خودم دلزده شده و به خاطر سرکوفت های خانواده باور کرده بودم که آدم بی خودی هستم. چندوقت رفتم پیش روان پزشک و مشکلم برطرف شد. مدتی هم ساعت خوابم به هم ریخته بود. شب ها تا ساعت ۴-۳ انیمه می دیدم در حالی که صبح باید می رفتم سر کار ولی الان نظم خوابم برگشته و فقط در زمان استراحت بین کار هایم انیمه می بینم.

از فانتزی های زندگی اوتاکوپی برایم تعریف کن.

یکی از فانتزی های اوتاکوها که از دیدیک غیر اوتاکو خیلی عجیب به نظر می رسد، چیزی است به اسم «وایفو» و «هاز بندو» که در ژاپنی به معنی زن و شوهر است. هر اوتاکو معمولایک کاراکتر انیمه ای را به صورت همسر خودش تصور می کند. من هم وایفودارم. البته عشق واقعی که نیست ولی خب دوست دارم شریک زندگی ام ویژگی هایی شبیه به وایفوداشته باشد. این ویژگی ها برای من قوی وقابل اعتماد بودن است. وایفو بعضی ها ناز و کیوت است، برای یک عده جذاب بودن مهم است و بعضی ها جذب شخصیت های مظلوم می شوند.

بعضی از اوتاکوها سعی می کنند از علاقه شان به

انیمه کسب درآمد کنند. تو تا حالا این کار را کرده ای؟

مدتی مانگا ترجمه می کردم ولی درآمدی نداشتم. اصولا اوتاکو بودن در ایران، کار سختی است. معمولا برای انیمه ها زیر نویس پیدا نمی شود. سایت های دانلود انیمه مرتب فیلتر می شوند و با این که عده ای به عنوان مترجم مانگا فعالیت می کنند ولی نمی توانند ترجمه های شان را به طور قانونی بفروشند. نمی دانیم دولت چه مشکلی با انیمه دارد.

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

دوشنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۰
۲۶ شوال ۱۴۴۲ ۷۰ زوئن ۲۰۲۱
شماره ۲۰۶۷۷

۱۸۹۷

مصرف کننده چشم بسته انیمه نباشیم

توضیحات یک مدرس سواد رسانه و نویسنده کتاب «مطالعه مصرف مخاطبان انیمه و مانگا

در ایران، درباره تأثیرات تماشای انیمه و این نوع سبک زندگی

«مرضیه ادهم»، نویسنده کتاب «مطالعه مصرف مخاطبان انیمه و مانگا در ایران»، دانشجوی دکترای ارتباطات اجتماعی و مدرس سواد رسانه می گوید: انیمه، یکی از راه های اجتماع پذیر کردن بچه ها در ژاپن است. مثلا انیمه هایی درباره نحوه استفاده از مترو یا برخورد صحیح با حیوانات وجود دارد. در چین و کره هم فرهنگ سازی به کمک تصویر سازی و انیمه بسیار رایج است. حتی از این طریق به بچه ها روش مواجهه با اضطراب، تنهایی و راه ارتباط برقرار کردن با دیگران را یاد می دهند. انیمه، نکات مثبت زیادی دارد ولی لازم است یک نفر همراه بچه ها باشد.



نظارت خانواده بر مصرف

فرهنگی فرزندش تا ۸ سالگی باید

مستقیم مداخله گر باشد. یعنی خودشان محصول مناسب

را تهیه کنند و کاملا در جریان محتوای آن

باشند. از ۸ تا ۱۳ سالگی این نظارت باید

غیر مستقیم، توافقی و دوستانه باشد.

والدین در کشور ما تا نوجوانی فرزندشان

را راه می کنند. توضیح شان هم این است

که بچه است، نمی فهمد. بعدا بچهان در

۱۴ سالگی فرزندشان متوجه می شوند

که مثلا مخاطب محتوای جنسی

است. تازه آن وقت نگران می شوند و

محرومیت ایجاد می کنند. تنها نقطه

حساس شان هم نوع پوشش و مسائل

جنسی است و نمی دانند داستان ممکن

است و حشتناک باشد یا مغایر منطق و

باور های خانواده.

درباره نحوه همراهی و نظارت والدین بیشتر توضیح می دهید؟

من در آموزش سواد رسانه به والدین می گویم انیمه و به طور کلی انواع رسانه، پستانک نیست که در اختیار بچه بگذارید و بروید. خیلی از حرف ها و ابهامات کودک در قالب کار تونی که همراه والدینش می بیند، حل می شود. من والد هم اگر می خواهم مفاهیمی مثل مسئولیت پذیری، دروغ گفتن و توی صف ایستادن را به بچه ام یاد بدهم، با یک قسمت انیمه خیلی بهتر می توانم این کار را انجام بدهم. همراهمی من با فرزندم حتی کمک می کند او را بهتر بشناسم؛ در کاواز ماجرای انیمه چیست؟ شخصیت پدر از خوب تشخیص



می دهد؟ همذات پنداری می کند؟ باید از رسانه به نفع خودمان استفاده کنیم. نکته جالب آن که وقتی در سن کم، رده بندی سنی را به بچه آموزش می دهید، در نوجوانی خد به خود را عایت می کند.

نظارت همراه با بگیر و ببند متولیان فرهنگی هم که بستر آسیب را فراهم می کند، کار را برای مخاطبان انیمه و والدین سخت کرده است.

قبلا سایت های ایرانی خوبی در زمینه انیمه فعالیت می کردند، بحث های علمی راه می انداختند و روی محتوا کنترل داشتند ولی خیلی سلیقه ای فیلتر شدند. وقتی مخاطب از فیلتر شکن استفاده می کند، دیگر لازم نیست وارد سایت ایرانی بشود. آن وقت با کلیدواژه هایی مبتنی بر مسائل جنسی مواجه می شود و سوالاتی برایش پیش می آید که جواب شان را نمی تواند در جای درست پیدا کند. در کشور ما مصرف فرهنگی در دو ساخت به سمت زیرزمینی شدن سوق پیدا می کند؛ ساخت اول مواجهه مسئولان با رسانه است و دوم، برخورد قهرآمیز خانواده ها که مثلا گوشه و تبتل بچهرامی گیرند و خیال شان راحت است که مشکل حل شد. اما مصرفی که می توانست زیر نظر آن ها باشد، زیرزمینی می شود. به رسانه نه خیلی خوش بین باشیم و نه خیلی بدبین. در کشور ما نوجوان ها و جوان ها در رابطه با رسانه خیلی خوش بین اند. مثلا بهشان می گویی مراقب باش چی می بینی یا حواست به امنیت ات در فضای مجازی باشد، مسخره ات می کنند. والدین و مسئولان تصمیم گیر هم به شدت بدبین اند.

برای شناختن دنیای انیمه چه چیزهایی باید درباره اش بدانیم؟

نوع مصرف انیمه و مانگا با پویانمایی ها و

کمیک استریپ های آمریکایی فرق

دارد. انیمه، رده بندی سنی و جنسیتی

دقیق و با جزئیات دارد (حدود ۳۰

دسته) و مخاطبش می تواند از یک بچه

۵ ساله باشد تا فردی ۵۰ ساله که جذب

محتوای سنگین سیاسی، فلسفی و

اجتماعی این محصول می شود. تفاوت

بعدی، تعداد قسمت های انیمه ها و

کارتون هاست. انیمه هایی را سراغ

دارم که از ۱۰-۱۵ سال پیش هنوز

تولیدشان ادامه دارد این یعنی مخاطب

انیمه با آن زندگی می کند. وقتی مشغول

نوشتن پایان نامه ام درباره انیمه بودم که

بعد تبدیل به کتاب شد، بسیار با این برخورد حتی از سوزی

نخبگان مواجه شدم که معتقد بودند انیمه مال بچه هاست

در حالی که حوزه فرهنگی گسترده ای است و هر مصرف

طولانی مدت دارد. بعضی از مخاطبان انیمه به دلیل این

نگاه تحقیرآمیز، علاقه شان را از دیگران مخفی می کنند

که می توانند آسیب زا باشد. بعضی از خانواده ها هم با خیال

این که فرزندشان سرگرم کارتون دیدن است، دست او را

باز می گذارند در حالی که در رده بندی سنی بزرگ سالان

انیمه، صحنه های مناسب بزرگ سالان و خشونت آمیز

وجود دارد.

مخاطب با سواد انیمه باید چطور با این محصول

مواجهه شود که مصرف کننده چشم بسته نباشد؟

نکته مهمی که ما را به سواد رسانه ای مخاطب های انیمه و مانگا امیدوار می کند، اتاق های گفت و گو و صفحات هواداری در فضای مجازی است. مخاطب های حرفه ای تر انیمه که بهشان «سنسی» می گویند، معمولا اطلاعات خوبی راجع به محتوا و رده بندی سنی انیمه ها در اختیار دیگران قرار می دهند و نقد و بحث هم در این صفحات زیاد شکل می گیرد. با این حال سواد رسانه، خط کشی نیست که آن را روی محصولات

مختلف بگذاریم تا بفهمیم پیام فلان انیمه خوب است یا بد. یک مفهوم سیال است و افراد باید مرتب اطلاعات شان را درباره آن به روز کنند. مثلا یکی از موضوعاتی که مخاطب

انیمه با آن بسیار سروکار دارد، مباحث

اعتقادی است. من مسلمان، بیننده

انیمه ای هستم که محتوایش

مرتبط با ادیان و اساطیر شرقی

است و گاهی با فرهنگ و سنت من

فاصله زیاد دارد. مخاطب آگاه در

چنین مواردی تاریخ و اساطیر

ژاپن را مطالعه می کند و

می فهمد که اگر فلان

اتفاق در انیمه رخ می دهد،

به دلیل مبانی اعتقادی

در کشور ژاپن است.

مخاطب ناآگاه اما

آن را به عنوان یک

حقیقت می پذیرد.

بچه ها و نوجوان ها

مخاطب تنهای انیمه

هستند و معمولا یک

بزرگ تر قابل اطمینان

همراهی شان نمی کند.

وظیفه خانواده ها در این

میان چیست؟

